

لمعات

لمعات = جمع لمعه = نگاه سریع (نظرو سریع مبداء)

درس اول مقوم

جهت های بحث در کلام مستعمل (آنژی ثمانیه)

- ۱. ماده مفردات = علم لغت
 - ۲. حسیات و صیغتهای مفردات = علم صرف
 - ۳. نقش مفردات و جملات = علم نحو
 - ۴. خصوصیات عارض بر لفظ = علم معانی
 - ۵. رتبه و ضمیمه و نحو = علم بیان
 - ۶. وجوه زیبا سازی کلام = علم بدیع
- علوم بلاغت

فصیح: به ظهور رساندن

فصاحت

وصف لفظ

لفظ مفرد: کلمه فصیحه - لفظ فصیح

مركب: کلام فصیح

وصف برای متکلم (متکلم فصیح)

بلاغه

وصف برای کلام

وصف برای متکلم

مکلفه: صفت را منح در نفس که با وجود آن نیاز به تفکر وجود ندارد.

(این کار برای شخص مکلف است)

Subject
Date

مسئله دیگرکی فصاحت و صفا لفظ مفرد:

- ۱- روان و سمل ادا شود.
- ۲- ظهیر در معناداشته باشد (معنای ظاهری)
- ۳- مطابق با وضع قواعد لفظ باشد

کللام مرکب → خصوصیات
اغراض خصوصیات

اغراض القای خبر } ۱- رساندن فایده خبر به مخاطب جاهل

۲- موارد دلیل }
لازم فایده خبر
لفظها و حزن
خبر
:

Subject

Date

جزوه حاج آقا در لغت و معنی

لغات

ترجمه درس به درس

درس ۱۰

- هر جمله در کلام دو یا چند جزء دارد که از منسوب و منسوب الیه خالی نیست / منسوب اسم باشد، فرقی نمی کند که اگر جمله اسمیه یا فعلیه باشد / اگر منسوب فعل باشد جمله اسمیه و چه در جمله فعلیه / برای هر قسمی هم هدفی است
- اگر منسوب اسم باشد که این اسم در موقعیت خبر یا حال یا ... باشد؛ در همه حالت منسوب به چیزی می شود و بر حسب و لغتی که دارد ثبوت را می رساند بدون استراره و حدوث، گاهی هم با قرینه دلالت بر دوام می کند.
- اگر منسوب فعل باشد معنی: ثبوت خبر و حدوث / معنی: و با قرائن استراره (قرائن می تواند صریح یا ذم یا مبایعه باشد)

درس ۱۱

- امل در هر جزء از کلام که تعلق پیدا کرده به آن جزء قصد ما، اراده شده، منتهی شدن آن چیزی که ذکر شده است، مسادی است در مسینه یا مسینه یا غیر از آنها باشد / و هانا حذف می شود چیزی از کلام پس چاره ای نیست در این هنگام استفاده از دو قرینه / قرینه ای که دلالت بر امل حذف می کند و قرینه ای که دلالت بر محذوف می کند پس با قرینه دلالت بر حذف می کند مثل استعمال لفظ واحد بدون لفظ دیگری که بیوسته به آن است در مقام قصد القاء هدف / کلام
- مانند (علی) که نشان می دهد از حذف جزء دیگری که تکرار کننده است. پس این معقولانه نیست استعمال منفرد در این مقام (تفاوت)
- و با قرینه دلالت بر محذوف می کند یا نظریه / (من طلق السماوات والارض؟ لعلن یحییهن) قرینه حذف است / معنوی: سوره انزلناها و فرضناها / مبتدا (هنه) حذف شده

انواع ذکر و حذف

- ذکر واجب است مگر در مواضع معدود / واجب است حذف خبر قسم صریح. (لعمرك لا فتلون) ای: لعمرك قسمی
- و واجب نمی باشد یکی از آن دو (ذکر و حذف) بلکه جائز است ... و نیست یعنی از مواضع و حرب ذکر یا حذف از بلاغته در صیغی و این مواضع را علم لغوی بر مگرداند و رفته
- انحراف حذف
 - ایجاز و احراز (کوتاهی جمله کوی به گونه ای که مراد از قرینه فهمیده می شود)
 - ضیق مقام (ضیق مقام مانع طولانی شدن کلام گردد) "سید بر من یخشی"
 - اماده محمول و مشمول (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول)

مثال ها خوانده شود

اغراض ذکر:

(چون به هوش خفاص اعتماد است)

- ۱- اهتمام متکلم به تفهیم مراد
 - ۲- رد انکار با تصریح و تاکید
- مَنْ يُعْبِئِ الْحِجَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ سَمَّ قَلْبٍ يَسِيْبُهَا الَّذِي اُنْشَاَهَا اِذْنٌ مُرَّةً

درس ۱۲ (تکلیف و تعریف و اغراض انسان)

تعمیر
اصل در مسند الیه تعریف و در مسند تکلیف

اغراض تکلیف:

و ضرب الیه مثلا زجلین احد هیا المم

- ۱- الإفراد (بیان فرد یا دو فرد یا چند فرد)
که جاز رجل و اقص السیدة

- ۲- تنويع (برای نوع از انواع) کَلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ وَ دَوَاءُ الذَّنْبِ اِلسْتِغْفَارُ

- ۳- تصغیر و تحقیر (و ما الحیاة الدنیا فی الآخرة الا مباح)

(فصل از فتح)

- ۴- ابراهام و اخفاء (پس مرازم من) در مدح امام علی (ع) در حدیث خیر: فردی که خدا پیامش را آورد دوست دارند، خدا به دست او خیر را فتح می کند.

اغراض تعریف بالانسان:

مقدمه: استفاده از ادواتی که برای نزدیک یا متوسط و یا دور استفاده می شود.

- ۱- تعظیم (بالفظ قریب و یجید) (هر دو نام برای تعظیم)
که در ایله طلب می کنه نزدیک به اون رو

- ۲- تحقیر (بالفظ قریب و یعیه)
پایین آوردن رتبه اش و دور بودن از ما.
که رسیدن بهش آسونه و حقارت از

اغراض تعریف بالاصناف:

- ۱- احضار مستی در ذهن شنونده با احتضار ارباب (و حار اخوة یوسف)
- ۲- احتراز از تفصیل (مثلا در یک مراسمی عدل را آیت اله و عدل را حاجت الاسلام بگویم، به بعضی ها بر می خورد، به بعضی دلیل تفصیل نماد هم می گویم اهل علم)

که برای خروج از تبعات تقدم و تاخر یا عند یا حسته کننده در تفصیل

فادُخلى في عبادي وادخلى جنتي

۳- تعظیم شأن

(شأن مضاف باسم الله یا غیر از این دو را نزد ایشان درهیم)

درس ۱۳ تقدیم و تأخیر

تسمیه

تقدیم
 تقدیم علی نیت تأخیر
 تقدیم فعل بر فاعل / فاعل بر مفعول
 (تقدیم خبر بر مبتدا)
 (لا علی نیت تأخیر)

تأخیر
 تأخیر علی نیت تقدیم
 تأخیر علی نیت تأخیر
 (لا علی نیت تقدیم)
 (مثل تأخیر فاعل از مفعول) به دلیل حصر
 ماضرب زیداً الا عمر
 ضرب زیداً عمراً

انغراض تقدیم

جامع اغراض، عنایت و اہتمام بہ مقدم

۱- افلاہ حصر (ایاک لغد وایاک نستعین) یا (لہ الملک ولہ الحمد)

(برای افلاہ حصر آمادہ)

(ادوات حصر آمادہ)

بہ خاطر عنایت و اہتمام

۲- تعجیل (برای اینکه مخاطب را خوش حال یا ناراحت کنیم)

(ما جمع فی استمان) (العونک صدقہ نہ الامر) (الغنائم حکم الغنائم)

(معلوبت بندگان فی امر) (سکنت خبر در)

(خزوه فغلوه ثم البعیم صلوه)

۳- رعایت وزن (در شعر) یا فاصله (در نثر)

انغراض تأخیر

خلق مسلم

۱- اعداد ذہن (مقدمه جینی برای آمادہ سازی ذہن مخاطب و سپس غرض از نفس) (اولین الذی خلق السموات والارض بقدر علیان)

۲- دفع توہم میراد (مررت بعلتی را کباً)

٧) تقدم مسند اليه على النفي وتأخيره عنه

تعميد في بيان القسمين : از احوال مخصوص به مسند اليه مقدم شدن آن بر نفي و يا مؤخر شدن از نفي ي باشد

احكام القسمين

توسعه خبري شده جزو جمله آنهاست

صورة تأخر مسند اليه

مسند اليه زمانى كه كه مؤخرى شود از نفي كه مسند آن، فعلى است كه مفعول است به آن / كه تاخير مسند اليه از نفي

افاده ي تخصيص و ثبوت حكم بر اى مسند اليه و نفي آن از غيرش ي باشد /

وزمانه كه حكم آن نفي باشد پس مفيد فايده است ثبوت نفي فعل مسند بر اى مسند اليه / نفي فعل ثبوت فعل بر اى غير را

ي رساند و حامل آن مفيد فايده فعل از مسند اليه و ثبوتش بر اى غير آن / فرقى نى كند كه مسند اليه اسم ظاهر ي نكره (مارجل قال)

مسند اليه اسم ظاهر ي معرفه (مازيد قال)

نكره (مارجل قال)

مؤخر (ما انا قلت)

صورة تقديم المسند اليه

و اگر مسند اليه مقدم شود بر نفي : در حالى كه مسندش فعل باشد،

اگر مسند اليه نكره باشد، افاده تخصيص ي كه

معرفه / معرفه نى كند كه اسم ظاهر يا ضمير باشد / افاده تخصيص و يا تقويت حكم و تاليد ي كند

(دياملل است هر دو تا باشد ي با مريدن شخص ي شوند) معرفه از آنها

درس ۱۵ قسرها و معنی ما درعلاقه به

جزوه حیاتنا

بمعنای لغوی قسر: حبس

قسر به معنی اصطلاح: تقصیر چیزی به چیزی دیگر و حصر آن چیز (به روش های بلاغی و نحوی)

- ادوات قسر
- ۱- حروف نفی + حروف استثناء (عسوی) و ما بین الہ الا الہ
 - ۲- انہا
 - ۳- عطف به (لا / لی / لکن) (الفتر بالعلم لا بالمال) (ما الجز بالکبر بل بالتواضع) (ازوف بالنسب لکن العز)
 - ۴- تقدیم چیزی که حقیقت تأخیر است. ایاک نعبد و ایاک نستعین
 - ۵- ضمیر فصل والذین کفروا بآیاتنا هم اصحاب الشامة
 - ۶- معرفه شدن مسند و مسند الیه به لام جنس و رکن العطف

(انواع قسر)

روش های قسر:

اولی بر روی حصری بود

- ۱- قسر موصوف بر صفت (ما محمد الا رسول)
- ۲- قسر صفت بر موصوف (لا اله الا الله) (لا قاتل الا عمدا)

انواع قسر (کتاب)

- * مهم ترین قسر: مختصر کردن کلام
- * مهم ترین غرض قسر: آگاهی دادن به خطای مخاطب
- الارض مشترکة لاساکنة

وصل: عطف جمله بر جمله دیگر به وسیله ی حرف (واو)

(جاء الحق و زهق الباطل) (ولا تسوی المسنة ولا الشیئة ادفع بالحق احسن)

فصل: ترک اینگونه عطف (۱۲) در صورت جرات واحدی آیند

عطف به جمله (لا تسوی) شده

لزوم جابج در وصل

شرط عطف به وسیله (واو) بین معطوف و معطوف علیه، جابجی مقبول است و مساوی است بین دو جمله ای که موافق است و یا مخالف است (و اِنَّهُ هُوَ افْعَلُكَ وَاَنْتَ بِنَیِّ) ^{است}

مواضع وصل: (در دو جا)

۱- زمانیکه دو جمله با هم خبری یا انشائی باشند (لفظاً بهم X)
 هر دو خبری
 هر دو انشائی
 یکی انشائی و یکی خبری
 ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم
 واعبدوا الله و لا تسرکوا به شیئاً
 اذهب الی علی و تقول له

لفظ خبری است اما معاً (قول له) است

۲- زمانیکه بین دو جمله (مبتدئ و وجه معنای) در انشائی و خبری اختلاف دارند اما الفصل بگیریم، توهم خلاف مقصود میان ایجاد می شود در این دفع توهم، با (واو) عطف می گیریم.
 مثل (لا و اطال و الله بقاؤک)
 (و ان عطف نکتیم، تنفس نظری کند بر این رای می گیریم)

جزوه صحیح آتوا

وصل: ارتباط دو جمله توسط حرف عطف - ارتباط هر دو خبری

فصل: قطع ارتباط با نبود حرف عطف

هر دو انشائی
 یکی خبری و یکی انشائی
 معنای و لفظاً متحد
 فقط معنای متحد
 اعبدوا الله و لا تسرکوا به
 تعلم الفقه حلتك الله من العلماء العالمی

حدا زید و جمله الله
 خبر
 عا
 انشاء

لا و اطال الله بقاؤک

۱۷۱ فصل

مواضع فصل ۱- بین دو جمله کمال انفعال وجود دارد و اتقوا الذی امرکم بان تعلمون امرکم بانفعا کما
۲- بین دو جمله کمال انقطاع وجود دارد و دلیلی بر وصل نیست.
اینجا باید (و او) می آید
کبریا و نهایت انفعال را دانند
دیگر لازم نیست.

مواضع فصل ۱- بین دو جمله کمال انفعال وجود دارد
۱- جمله دوم بدل از جمله اول است
۲- جمله دوم مطلق بیان به جمله اول می باشد (فوقوس الیه الشفان قال یا ایها الذین آمنوا) بیان جمله
۳- جمله دوم مکرر جمله اول باشد (تا لعلقل یا معنوی)
تأکید لفظی فیهل الذین آمنتم رؤیدا
تکرار برای تأکید
تأکید معنوی ما عهدنا ان هذا الا ملک کریم

۱- عدم وجود جامع عرفی مقبول بین دو جمله
۲- در جمله اول لفظ معنی، در خبری و انشائی بودن اختلاف دارند

تنبیها

- ① دو جمله ای که از لحاظ معنی، یکی خبری و دیگری انشائی باشد را نمی توان به یکدیگر عطف کرد.
- ② هر یک از وصل و فصل اسباب و غراضی دارد:
 - ۱- از اسباب وصل، ارتباط دو جمله با هم و مناسب داشتن آنها در معنا
 - ۲- از اغراض وصل، دفع توهّم غیر مقصود
 - ۳- از اغراض فصل، افاده اتحاد دو جمله و عدم مغایرت بدیشان و اگر عطف با (و او) کنیم، بر مغایرت بین دو جمله دلالت می کند.
 - ۴- از اسباب فصل، اختلاف دو جمله در معنی

جزوه حاج آقا

زائد معین است ← حسو
 زائد غیر معین است ← تطویل
 زائد کلام ← بی فایده
 اطناب ← با فایده

تعریف اطناب: زیادت لفظ بر معنا

انواع اطناب و اعتراف

۱) عطف خاص بر عام

مفرد → خاص بر دو نوع
 جمله

مثلاً: نماز ظهر از صلوات خمس شکر است.
 امر معروف و منفی از تکراً
 از مصدران حال دعوت به جزا

(حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی)

(یدعون الی الخیر و یأمرون بالعرف و ینهون عن النکر)

(جمله معترضه)

۲) اعتراف

در وسط کلام یا بین دو کلام یا آیه
 (اکثر آملی از اعراب X)
 (برای دفع ابهام K)

نکته ها

۱) تنزیه (باک و مشرک و انیسر)

(الیها بنات)

۲) دعا

مراطن اطناب

در هنگام مدح و ذم و بزرگی و موعظه
 یا برای مسائل علمی دشوار
 یا خطاب به یک کودک

تعريف علم بيان علمی که از قول (بيان مقصود به روش های مختلف) ثبت می کند (در نوع دلالت و وضوحش) موضوع علم بيان، لفظ (از حيث انواع دلالت بر معنی مقصود) غایب: معنی روش های بيان کدام بلیغ

تشبیه به لغت: مشارکت یکی با شئی دیگر در معنی اصطلاح: " در یک یا چند معنی به وسیله ادات

- ارکان تشبیه
- ۱- مشبیه (شئی می شود به چیزی)
 - ۲- مشبیه به (چیزی به او شبیه می شود)
 - ۳- وجه تشبیه (به دو طرف اشتراک (صفت))
 - ۴- ادات (گاهی حرف (ک) و گاهی اسم (مثل) و گاهی فعل (بعلی) (کلن) (سبه) (یفاه)

انقسامات (به اعتبار ارکان)

① تشبیه به اعتبار طرفین
 هر دو مفرد ✓
 هر دو مرکب ✓
 یکی مفرد و یکی مرکب ✓

② به اعتبار وجه تشبیه

وجه تشبیه به یا از واحد گرفته می شود
 از متعدد ✓

③ به اعتبار ادات:

رحب ذکر یا حذف ادات به مترسب: ادات ذکر ✓
 که مؤکد: ادات ذکر ✓

حزب و حجاج
 اعتبار طرفین
 هر دو مفرد
 هر دو مرکب
 یکی مفرد و یکی مرکب

تقسیمات تشبیه

به اعتبار وجه تشبیه به تشبیل: وجه تشبیه از متعدد گرفته ✓
 غیر تشبیل: وجه تشبیه از مفرد (فرد مقصد) گرفته ✓
 به اعتبار ادات به مترسب: ادات تشبیه ذکر شده ✓
 که مؤکد: ادات تشبیه ذکر نشده ✓

ازواج مجازیه مجاز عقلی : در نسبت
بجای لغوی (در لفظاً) استعمال لفظ در غیر از معنای که برایش وضع شده

ترتیب مازعه ① ادخال مجازی مستقل در آنچه که وضع شده برایش در اصطلاح دیگر. مانند لفظ (علاوة) زمانیکه صلکم در
دعا، در مقام مخاطب تکرار دادن عرف شرع استفاده می کند

② اخراج حقیقت استعمال شده در آن چیزی که برای وضع شده در اصطلاح دیگر مانند لفظ (علاوة) زمانیکه صلکم در ارکان مخصوصه
(منظور نماز) در مقام مخاطب تکرار دادن عرف شرع استفاده می کند

صلوة ← عرف شرع ← نماز
که عرف لغوی ← دعا
* (در عرف شرع حقیقی است و در عرف لغوی مجازی باشد)

عجائب لغوی مفرد مرسل

استفاده از کلمه در غیر از معنایی که برایش وضع شده است.

علاقه سببیه : مراد از آن نام گذاری چیزی به اسم سببیش است به همراه اطلاق اسم بر آن
علاقه لئیه : مراد از آن نام گذاری چیزی به اسم کل می باشد به وسیله اسم کل بر آن. لفظ موضوع برای کل می باشد و مراد از آن
جزئی باشد

استعاره (درس ۲۱)

فرق تشبیه با استعاره

۱) چیزهایی که خنجر از تشبیه می دهند نباید در استعاره بیایند. (مثل اک، وجه تشبیه)

۲) در تشبیه، تشبیه به در معنای موضوع که بکار می رود اما در استعاره، تشبیه به در غیر ما وضع له استعالمند است.

انواع استعاره } ۱) تفسیری (مفروضه): مستعار منه ذکر می شود. فأشعبر العینی علی الهدی ^{ایمان}

۲) مکنیه (بالکنایه): مستعار که با ذکر لوازم اشاره می شود. فلمسان العالی انطق ^{خف تند و}

تعریف استعاره: لفظی را که در غیر از موضوع له اش به دلیل علاقه مساببت استفاده کنیم.

۱- مستعار منه (= تشبیه): از آن چیز استعاره می گیریم (مانند معنی اسد).

مستعار له (= تشبیه): برای آن از تشبیه به، استعاره می گیریم (مانند معنی زید).

مستعار: لفظی است که متکلم از مستعار منه برای مستعار له، استعاره می گیرد (مانند لفظ ^{اسد}).

جامع (= وجه تشبیه): صفت مشترک بین دو طرف (مانند شباهت).

انواع استعاره

Subject _____

Date _____

آئینه های مجاز و اعراض آن

درس ۲۸ | دواهای مجاز و اعراضه

آئینه دواء اعراض مجاز

۱) مجاز، به صورت غیر مستقیم مقصود را به گونه ای بیان می کند که بیشترین تأثیر را دارد. (ایاتکم و خفراء الدمن)

۲) بیان مقصود با مبالغه

عین به جاسوسی
گوش به زود تأثیر پذیر است

۳) تصویر سازی

۳) ایجاز

لمحات

درس ۱

در بحث از معنی ساده مفردات - علم لغت

۲- بحث درباره تکامل مفرد کلمات - علم صرف

۳- بحث از جمله و مفرد در کلام - علم نحو

۴- بحث از مفرد صیغی که بر لفظ فارسی می شود از جهت مرتب شدن یک یا چند نفرین - علم معانی

۵- بحث از مرتبه وضع معنی مقفود - علم بیان

۶- بحث از زیبایی صورت های لفظی و معنوی - علم بدیع

علم بلاغته

ماهیت علوم بلاغته اجزای

اهمیت علوم بلاغته و بعضی فوائد - آشنایی با روش های فصاحت و بلاغته

استفاده از فنون لطیف که با آن از ادغام است

فصاحت و بلاغته

درس ۲

وضع به ظهور رساندن

لفظ مفرد : کلمه فصیحة - لفظ فصیح

فصاحت و وصف لفظ مرکب : کلام فصیح
وصف برای کلام (متکلم فصیح)

بلاغته : وصف برای کلام
وصف برای متکلم

مکلفه : صفت را سخ در نفس که با وجود آن، نیازی به تفکر وجود ندارد

سه ویژگی فصاحت و وصف لفظ مفرد

۱) روان و سهل اذا شود

۲) ظهور در معناداشته باشد

۳) مطابق با وضع قواعد لفظ باشد

معنی فصیح بیان و ظهور

بلغ، دلالت بر انتهای چیزی می کند (به آخر چیزی رسید)

در ادب بنده تلفظ کلمه و معقودش واضح

فصاحت لفظ در اصطلاح: سهولت در نطق و ظهور در معنی (و آخی هارون هو اوضح منی لساناً)

از علامت فصاحت لفظ، کثرت استعمال است.

است در تکلم

فصاحت متکلم در اصطلاح: ملکه ای که به وسیله آن بتواند تعبیر از معقود بالفظ فصیح کند.

معنی بلاغت در اصطلاح:

(چون کسی بلیغ شنیده نشده)

و معنی است که برای کلام و متکلم می آید و وصف برای مفرد نمی آید

بلاغه کلام در اصطلاح:

"مطابقت کلام با مقتضی حال همراه با فصاحت"

خلیق نزدیک

مثلاً از حال مقتضی تأکیدی کند، کلام باید مؤید بیاید

بلاغه متکلم در اصطلاح: ملکه ای است در متکلم که به وسیله آن می تواند تعبیر از معقود با کلام بلیغ کند

درس ۲۲ - تعریف علم معانی در بیان

کلام مرکب
موضوعیات
انراض

تعریف علم معانی: علمی که از خصوصیات لفظ مرکب در برای آن صحت می کند

موضوع علم معانی: تبیین خصوصیات و انراض آن

تفاوت: تعریف خصوصیات و انراض لفظ مرکب (که طلبه بتواند کلام بلیغ را از غیر بلیغ تشخیص دهد)

درس ۲۳ - خبر

مثال: ماه فزونی واقع شد

کلام خبر: خبری که نسبت در جمله، نسبتی نیز در خارج (رواقیت) وجود دارد

انشاء: خبری که نسبت در جمله، نسبتی در خارج نباشد (بلکه خود جمله نسبت را ایجاد کند)

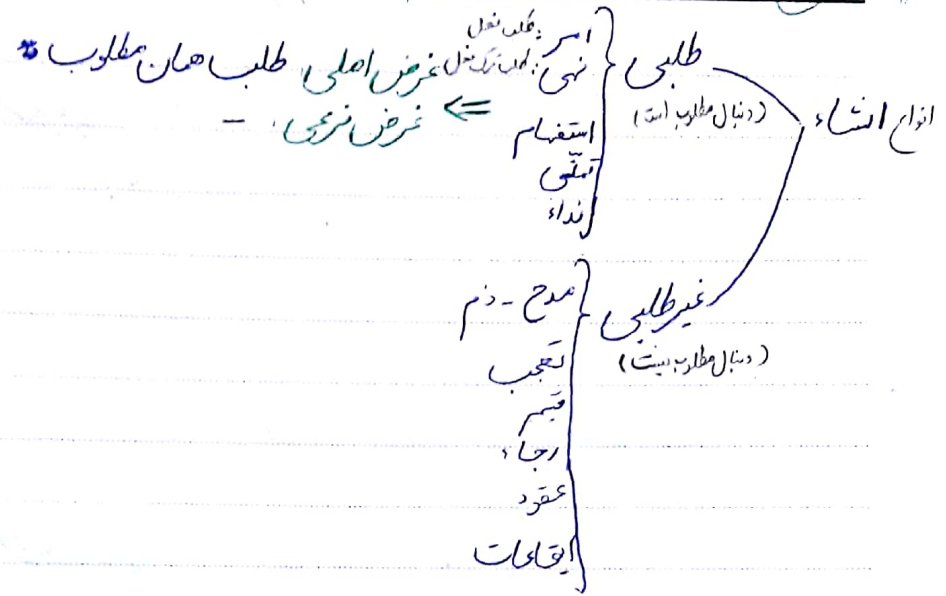
انقسام خبر به جمله اسمیه
جمله فعلیه

انراض خبر: (اعمال لغوت و رضا و فرح و حشوع)

۱۳ رنگی

مثالها از درس دیده شود

درس ۵ - انشاء



صیغ‌های امر - فعل - حقیقی: حقیقتاً بر امر دلالت ✓
 مجازی - فعل ماضی یا مضارع مثل: تغیر - اغسل
 معنی دلالت بر می‌کند
 تعید - اعد
 تغیر - اغسل

اسم - اسم فعل حکیم - الزم
 مصدر صبراً - اصبر صبراً

انشاء به لغت: ایجاد
 اصطلاح: برای نسبت در جمله، نسبت در خارج (واجبیت) وجود X و احتمال صدق و کذب برای دان آن می‌باشد.

انواع فرعی امر (انواع)

۱. تهنیت
۲. احانت
۳. تسبیح (در آن صبح طلوع)

(ا عملوا ما تشيتم انہ بما تعملون صبراً)

انواع امری نهی:

۱. مایوس شدن
۲. تعقیر

« تمنی ، نداء ، استغماک »

درس ۶

تمنی ؛ بدست آوردن چیزی از راه محبت (لفظی له برای تمنی ؛ لیت)

تمنی \rightarrow محال
 \rightarrow ممکن
(یا لیتنی کنت معهم ...)

* غیر از لفظ (لیت) ، از (هل) نیز استفاده می شود (فهل لنا من شفعاء فیشفعوا لنا)

نداء ؛ طلب از مخاطب به وسیله حرف نداء

اغراض نداء ^{فرعی} : (۱) تعجب
(۲) درد و حسرت

استغماک ؛ طلب فهماندن به وسیله ادات استغماک (هل ، همزه)

بقیه ادات استغماک (ما ، من ، ائی ، کم ، کیف ، این ، اتی ، متی ، ایان) ^{بیشتر بدانید}

(العبدون ما تنجوتون)

اغراض فرعی استغماک : (۱) توبیح و تفریح ^(کوسین)

(ایحب احمدکم ان یا کل لحم اخیه میتاً -)

(۲) انکاء ابطالی
(۳) تقریر

« اطلاق و تقيد »

« درس ۷ »

کلام غرض جز اسناد وجود ندارد (ترك - اطلاق)
 (مسند الیه)
 کلام غرض تعلق می گیرد به تقيد
 به هر کدام از دو رکن کلام غرض تعلق می گیرد به تقيد
 قید مسند علی الحج ماسياً
 قید مسند الیه علی العالم صلّی
 قید هر دو حسن التئید قبل المخلوعه

ترك: از ابتدا هیچ غرضی تعلق نگرفته (علم - جهل) هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون
 حذف: غرض تعلق بگیرد و سپس حذف شود.